



« بررسی آثار و پیامدهای طلاق بر خانواده و جامعه »

ساره نظری

کارشناس ارشد مطالعات زنان - حقوق زن در اسلام ، گروه مطالعات ، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا

Sarehnazari34@yahoo.com

چکیده

طلاق جدا شدن زن از مرد ، رها شدن از قید نکاح و رهایی از پیمان زناشویی است که نه تنها باعث از هم گسیختگی بنیادی ترین نهاد اجتماعی (خانواده) می شود ، بلکه اثرات سوء آن تمام ابعاد جامعه را در می گیرد و هم چنین فرزندان ، پناهگاه اصلی خود را از دست داده و در دریای امواج اجتماع ، گرفتار ناملایمت های بسیاری می شوند . هدف از این مطالعه که به صورت اسنادی - کتابخانه ای صورت گرفته است ، بیان پیامدها و آثار این پدیده بر خانواده و سپس جامعه می باشد. در این پژوهش سعی شده است تا ابتدا پس از مروری بر تاریخچه و تعریف این پدیده ، به طور کامل به پیامدهای طلاق در سه بعد اعم از اجتماعی - فرهنگی ، روانی - عاطفی و هم چنین اقتصادی بر تک تک افراد خانواده از جمله زن ، مرد و فرزند پرداخته و سپس در سطح کلان تر یعنی جامعه بررسی شود . در انتها راه کارهای پیشنهادی برای مقابله با طلاق ارائه می شود . نتایج و یافته ها حاکی از این امر است که هرچقدر پیش از ازدواج در زمینه آگاهی دادن به جوانان سرمایه گذاری شود و ازدواج ها عاقلانه صورت گیرد سلامت ، بقا و پایداری خانواده افزایش می یابد . در نتیجه با وجود خانواده هایی با ثبات جامعه ای پویا ، رو به رشد ، سالم و فعال خواهیم داشت والا در غیر این صورت صدمات جبران ناپذیری به خانواده و جامعه وارد می شود.

واژگان کلیدی : طلاق ، پیامدها و آثار ، راه کارهای مقابله با طلاق ، خانواده ، جامعه

۱- مقدمه و طرح مسئله :

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون در بین تمامی جوامع بشری به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی ، زیربنای جوامع و منشأ فرهنگها، تمدن ها و تاریخ بشر بوده است. خانواده مؤثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است که در شرایط مختلف در تأثیر و تأثر متقابل با کل جامعه و عوامل اجتماعی است. انسا نها در خانواده به هویت و رشد شخصیتی دست می یابند و موجب بالندگی و رشد جامعه می شوند. خانواده به عنوان کوچک ترین واحد اجتماعی، پایه و اساس ساخت اجتماع محسوب می شود. خانواده شالوده هر جامعه متمدن است. با این حال، سست شدن بنیان خانواده ، طلاق، فرار از منزل ، سوءظن ، نداشتن تفاهم میان زوجین ، همسرآزاری و همسرکشی و وجود فرزندان بزه کار مواردی هستند که ساختار خانواده معاصر را شدیداً تهدید کرده و پیامدهایی چون طلاق را به دنبال دارند. طلاق گسستن و فروپاشیدن و نابودی کانون گرم و آرا م بخش زندگی است که اثرات جبران ناپذیری بر اعضای خانواده می گذارد. طلاق را می توان شیوه ای نهادی شده و تحت نظارت سازمان های اجتماعی، در راه پایا ن دادن به پیوند زناشویی دانست. به عبارت دیگر، طلاق خاتمه دادن به پیوند زناشویی تحت شرایط خاص قانونی، شرعی و عرفی است که پس از آن زن وشوهرنسبت به یکدیگر حقوق و تکالیفی ندارند (غیاثی، معین و روستا، ۱۳۸۹)

یکی از موضوعاتی که در چند سال اخیر ذهن اکثر اندیشمندان و حتی عموم را به خود مشغول کرده است مسأله طلاق می باشد. در حال حاضر این پدیده در تمامی جوامع به شکل یک مسأله و معضل اجتماعی، مشکلات زیادی را برای افراد و خانواده



های در معرض طلاق به وجود آورده است. در واقع خانواده همان نهادی که به اعضای خود احساس آرامش و امنیت می دهد و طی قرن های متمادی به عنوان پایدارترین و مؤثرترین وسیله حفظ ویژگیهای فرهنگی و عامل انتقال آنها به نسلهای بعدی بوده است، اکنون دست خوش تغییرات و آسیب های فراوانی شده است. (ولی زاده، ۱۳۷۸: ۲۰)

متأسفانه امروزه شمار جدایی زن و شوهرها رو به افزایش است و در حال حاضر در برخی از کشورهای صنعتی پیشرفته نیز میزان طلاق تا رقم ۵۰ درصد افزایش یافته است. این گفته بدان معنی است که نیمی از زنان و مردانی که روزی با شوق و هیجان ازدواج می کردند، تصمیم گرفته اند این پیوند را پس از مدتی از هم بگسلانند. دشواری های این جدایی گاهی چنان ناگوار است که منجر به سرخوردگی یا افسردگی نه تنها در والدین به ویژه مادران، بلکه آسیب های روانی جبران ناپذیری در فرزندان خواهد شد. در سال های اخیر مسأله طلاق چنان متداول گشته که نیمی از ازدواج ها قبل از پایان ده سال به جدایی می کشد. با این همه و با وجود متداول شدن این پدیده، طلاق هنوز یکی از بحران های وحشتناک زندگی به شمار می آید.

با توجه به اهمیت انکارناپذیر نهاد خانواده در هر جامعه، بررسی پیامدها و آثار این مسئله مهم به نظر می رسد. پس از وقوع طلاق، زنان در مقایسه با مردان، با تغییرات و چالش های مضاعفی در زندگی روبه رو خواهند شد. این پیامدها گاه بلافاصله پس از طلاق، و گاه با فاصله زمانی طولانی تری بر زندگی فرد تأثیر خواهد گذاشت.

در این پژوهش که به روش اسنادی - کتابخانه ای صورت گرفته است، سعی شده است تا پس از مروری بر تحقیقات صورت گرفته در خصوص پیامدهای این معضله اجتماعی، نگاهی اجمالی بر تعریف و تاریخچه آن شود و سپس به طور مجزا در مورد تک تک این پیامدها بر روی هر یک از اعضای خانواده اعم از مرد، زن و فرزندان بحث شود و در ادامه بر آثار آن در جامعه مروری صورت گیرد. در انتها پیشنهادها و راه کارهای مقابله با این مسئله نیز مطرح می شود.

۲- پیشینه:

در زمینه طلاق پژوهش های فراوانی صورت گرفته است منتها اغلب آنها مربوط می شوند به علل این پدیده و هنوز جای تاکید بیشتر بر پیامدهای این مسئله حس می شود چرا که گستردگی و پراکندگی پژوهش ها در این حوزه و رواج تحلیل های غیرعلمی در فضایی مغشوش سبب شده چشم انداز و تصویر منسجمی از داده ها و یافته های علمی در حوزه ی پیامدها وجود نداشته باشد. با این وجود به ذکر چند نمونه تحقیق صورت گرفته در این حوزه اشاره می شود. از جمله این تحقیقات پژوهش کلانتری، روشنفکر و جواهری در سال ۱۳۹۰ است. ایشان در این تحقیق با نام «آثار و پیامدهای طلاق مرور نظام مند تحقیقات انجام شده در ایران با تاکید بر ملاحظیات جنسیتی» بر پژوهش های صورت گرفته در حوزه پیامدها و آثار طلاق در ایران در بازه زمانی ۱۳۷۶ الی ۱۳۹۰ مروری انجام داده است. یافته های او نشان می دهد که نه تنها طلاق به طور کلی می تواند باعث صدمه به سرمایه انسانی و اقتصادی جامعه شود، بلکه در تحلیلی حساس به جنسیت، می تواند مانع نقش آفرینی زنان در فرآیند توسعه و در نتیجه به حاشیه راندن و استثمار زنان شود. در تحقیقی دیگر در سال ۱۳۸۹ یونسو، معین و شمشیری نیا با عنوان «مقایسه ی سلامت روان، عزت نفس و مسئولیت پذیری دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی خانواده های طلاق و عادی» با کمک گرفتن از روش علی - مقایسه ای بر دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی شهرستان فیروزآباد را که در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ به این نتیجه رسیدند که دختران خانواده های طلاق از نظر مسئولیت پذیری، عزت نفس، سلامت روان کلی و خرده مقیاس های آن نظیر نشانه های بدنی، اضطراب و بی خوابی، ناکارایی اجتماعی و افسردگی، با دختران خانواده های عادی تفاوتی معنی دار دارند که ناشی از عوارض ناخوشایند طلاق والدین بر فرزندان است. محمدی هم چنین در پژوهش خود در سال ۱۳۸۳ با عنوان «طلاق و سهم زن از زندگی مشترک» به این موضوع اشاره می کند که زنان به ویژه زنان خانه دار تمام یا بخش اعظم فعالیت های خود را در منزل شوهر صرف می کنند. تا زمانی که زندگی مشترک ادامه دارد، مشکلی رخ نمی دهد، اما همین که در زندگی دچار تزلزل شد و مسأله طلاق و جدایی مطرح گردید، وضع به گونه ای دیگر خواهد شد و در آخر پیامدهای اجتماعی این موضوع را بررسی می کند.

۳- تعریف و تاریخچه طلاق

تاریخچه طلاق به تاریخچه ازدواج برمی‌گردد. به همان علت که بشر بنا به درخواست طبیعی خود، پیوند ازدواج می‌بندد تا در کانون گرم خانواده و در کنار همسر خود به سکون و آرامش برسد، به همان گونه نیز ممکن است به دلایلی از ادامه زندگی خودداری کرده، طلاق را بپذیرد. ولتر می‌گوید: «طلاق و ازدواج در یک زمان در عالم پدید آمدند»

اگر بخواهیم سابقه این پدیده را در تاریخ جست‌وجو کنیم باید به سرزمین‌های باستانی از جمله میان‌رودان، یونان، ایران، مصر و چین اشاره کنیم. کنستانتین محدودیت‌های بسیاری برای طلاق ایجاد کرد و در قرن دهم میلادی کلیسای مسیحی آن را ممنوع دانست. هنری هشتم برای نخستین بار از مجلس کلیسای انگلیس خواست که ازدواج او را فسخ نماید.

به مرور زمان کشورهای اروپایی و مسیحی حق طلاق را برای زن و شوهر به رسمیت شناختند. با این حال، در سال ۱۹۸۶ در ایرلند پارلمان طلاق را غیرقانونی اعلام کرد. در انگلستان، در سال ۱۹۶۹ لایحه قانونی اصلاح طلاق به تصویب رسید که گرفتن طلاق را برای زن و شوهر آسان‌تر کرد. بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، میزان طلاق در بریتانیا به طور ثابت هر سال ۹ درصد افزایش یافت و در طی آن دهه دو برابر شد و امروزه در بسیاری از جوامع اروپایی، میزان طلاق افزایش یافته است.

اما اگر بخواهیم معنای طلاق را بررسی کنیم ابتدا باید در لغت آن را بشناسیم و سپس به معنای اصطلاحی آن اشاره کنیم. ریشه عربی طلاق به معنی «گشودن گره» و «رها کردن» است. اما در اصطلاح این واژه عبارت است از پایان دادن زناشویی به وسیله زن و شوهر و در فقه اسلامی «زائل کردن قید ازدواج با لفظ مخصوص» تعریف می‌شود (صفایی و امامی، ۱۳۹۱).

اغلب این پدیده را راه حل رایج و قانونی عدم سازش زن و شوهر، فروریختن ساختار زندگی خانوادگی، قطع پیوند زناشویی و اختلال ارتباط والدین با فرزندان تعریف کرده‌اند. در حقیقت همانگونه که پیوند بین افراد طبق آیین و قراردادهای رسمی و اجتماعی برقرار می‌شود. چنانچه طرفین نتوانند به دلایل گوناگون شخصیتی، محیطی و اجتماعی و ... بایکدیگر زندگی کنند به ناچار طبق مقررات و ضوابطی از هم جدا می‌شوند.

۴- آثار و پیامدهای طلاق بر خانواده:

۴-۱ پیامدهای اجتماعی و فرهنگی

متأسفانه طلاق آسیب‌های جبران‌ناپذیری در ابعاد اجتماعی و فرهنگی بر تک‌تک اعضای خانواده می‌گذارد. در زیر به چند آسیب و پیامد طلاق به طور جداگانه بر روی زنان، مردان و فرزندان اشاره می‌شود. خلاصه‌ای از این پیامدهای این بخش در نمودار ۱-۱ در انتهای مقاله آورده می‌شود.

۴-۱-۱ پیامدهای اجتماعی و فرهنگی بر زنان

- ✓ «از دست دادن حمایت‌های اجتماعی»
- ✓ «کاهش و کوچک‌شدگی روابط اجتماعی»
- ✓ «نگرش اخلاقی منفی جامعه»
- ✓ «برچسب‌های اجتماعی»
- ✓ «بازخوردهای منفی دیگران»:

زنان مطلقه از گزند طعنه‌ها و نگاه‌های کنجکاوانه دوستان، اطرافیان و آشنایان در امان نیستند، به طور مثال بعضی معتقدند که وجود زن مطلقه در اتاق عقد خوش‌یمن نمی‌باشد... مذموم بودن طلاق در جامعه و مقصر شمردن زن در طلاق، منجر به تنگی روابط اجتماعی زن مطلقه می‌شود و بدین ترتیب ارزشهای حاکم بر جامعه بیش از مشخصات فردی بر مشکلات زنان مطلقه می‌افزاید. (فرجاد، ۱۳۷۲)



✓ «آزار و خشونت آشکار و پنهان جنسیتی»

✓ «کاهش فرصتهای ازدواج»:

زنان مطلقه معمولاً نسبت به مردانی که متارکه نموده اند، کمتر ازدواج مجدد می کنند. از جمله علل اجتماعی این وضعیت، وجود فرزندان، سن زن و عدم پذیرش مردان جهت ازدواج با زن مطلقه می باشد. (همان) اغلب زنان مطلقه برای ازدواج، از اعتبار کمتری برخوردارند و مردی که ازدواج نکرده کمتر به سراغ آنها می رود و در اغلب موارد مردانی که زنان خود را از دست داده اند یا همسر خود را طلاق داده اند، به خواستگاری آنها می آیند، در این شرایط زن مطلقه دیگر نمی تواند آزادانه حق انتخاب داشته باشد و سطح توقعات او از طرف متقابل، بسیار تنزل می کند و بسیاری از شرایط ناگوار را به اجبار پذیرا می شود، زیرا در غیر اینصورت برای همیشه تنها خواهد ماند.

۴-۱-۲ پیامدهای اجتماعی و فرهنگی بر مردان

➤ «نگرانی در مورد سرنوشت فرزندان و آینده او»

➤ «اختلالات و انحرافات جنسی»:

از آنجا که یکی از کارکردهای خانواده، ارضاء تمایلات جنسی بوده است، با فروپاشی خانواده، فرد با فقدان ارضاء جنسی مواجه می شود. (تایبر، ۱۳۶۹) چنانچه فرصت ازدواج و تمتع جنسی از طریق مشروع میسر نشود و فرد چنین نیازی را به دلیل تجربه جنسی قبلی شدیدتر از گذشته احساس نماید و این منجر به بروز خطرات و معضلات اجتماعی میشود.

➤ «احتمال افزایش بزهکاری در جامعه»

۴-۱-۳ پیامدهای اجتماعی و فرهنگی بر فرزندان

❖ «بزهکاری کودکان و نوجوانان ناسازگاری ها و رفتارهای ضد اجتماعی آنان»:

آمارها مؤید این نکته است که بیشتر جرم و بزهکاریهای کودکان و نوجوانان ریشه در مسائل و مشکلات خانوادگی، طلاق و از هم پاشیدگی کانون گرم خانواده دارد. میزان جرائم و خودکشی در اطفال باقی مانده از طلاق به نحوی بارز افزایش می یابد. این اطفال خیلی بیشتر از دیگر همسالان خود مورد سوء استفاده جنسی قرار می گیرند و بی بند و باری و اعتیاد نیز در میان آنان شیوع بیشتری دارد.

❖ «پرخاصگری و ناسازگاری کودکان، فرار از منزل و ولگردی آنان»

❖ «افت تحصیلی»

❖ «کاهش میل به ازدواج در دیگر افراد خانواده به ویژه بچه های طلاق»

❖ «احمال و مساحمه والدین در تعلیم و تربیت فرزندان و ایجاد زمینه و بستر برای آسیب های اجتماعی»

❖ «بی اعتنایی و بی توجهی نسبت به آنها در جامعه»

❖ «ایجاد خانواده های ناتنی»:

از دیگر آثار طلاق، خانواده های ناتنی هستند، این خانواده ها کودکانی را دربرمی گیرند که دارای زمینه های خانوادگی متفاوتی هستند و ممکن است انتظارات مختلفی در مورد رفتار مناسب در خانواده داشته باشند و از آنجا که اکثر فرزندان ناتنی به دو خانواده متفاوت تعلق دارند، احتمال برخورد در عادات و شیوه نگرش قابل ملاحظه است. (گیدنز، ۱۳۷۳) ازدواج مجدد والدین موجب می شود که فرزندان طلاق، خود را در حال تجربه مشکلات جدیدی بیابند. قرار گرفتن در خانواده نامادری یا ناپدری که روابط آنها برای کودک ناآشنا و مشکل است و ممکن است نامادری یا ناپدری همچون میهمان ناخوانده ای به نظر آید که والد واقعی را از میدان به در کرده است. ناپدری یا نامادری ممکن است از نظر اعمال نظارت و انضباط



مشابه والدین واقعی کودکان نباشد. (کلارک و فریدمن ۱۹۷۸)

۴-۲ پیامدهای روانی و عاطفی

از جمله مهم ترین آسیبی که طلاق بر تک تک اعضای خانواده وارد می کند آسیب های روانی و عاطفی می باشد که در مواقعی صدمات جبران ناپذیری را در پی دارد. (نمودار ۲-۱)

۴-۲-۱ پیامدهای روانی و عاطفی بر زنان

- ✓ «احساس گناه و تقصیر در خصوص سرنوشت خود و فرزندان»
- ✓ «خودانتقادی و ارزیابی منفی از عملکرد طلاق»
- ✓ «هویت آشفته و نگران»
- ✓ «اضطراب»
- ✓ «خشم»
- ✓ «وحشت»
- ✓ «اندوه»
- ✓ «افسردگی»
- ✓ «احساس شکست»
- ✓ «تغییر در سبک زندگی»
- ✓ «تنهایی و انزوا»
- ✓ «احساس عدم امنیت»
- ✓ «طردشدگی» :

نگرش فرهنگ عامه به طلاق موجب نوعی بی اعتباری زنان مطلقه در جامعه است. همچنین تنش هایی که ناشی از نگرش های فرهنگی و مذهبی است، آسیب مضاعفی بر روح زنان خواهد بود؛ از سویی در فرهنگ ما، زنان مطلقه، تهدیدی برای روابط و زندگی خانوادگی دوستان و خویشان بوده و این نگاه آنان را منزوی و تنها تر خواهد ساخت و حتی ممکن است موجب بروز رفتارهای انحرافی شود. همچنین قضاوت های تنگ نظرانه، بدبینی و احساس ناامنی از حضور در جمع، فعالیت های فرهنگی زنان را کاهش می دهد و «مانع نقش آفرینی زنان در فرآیند توسعه و به حاشیه راندن و استثمار زنان می شود» (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۰).

✓ «عدم امید به زندگی»

✓ «مشکل دوگانگی نقش» :

زنان در ارتباط با فرزندان خود دچار دوگانگی نقش می شوند. زن مطلقه برای فرزندان هم باید پدر باشد هم مادر و مرد نیز متعاقباً چنانچه کودک با او زندگی کند، باید هم نقش مادر و هم نقش پدر را بر عهده بگیرد و این صدمات و آسیب های روحی فراوان از قبیل عصبانیت و افسردگی به دنبال دارد.

۴-۲-۲ پیامدهای عاطفی بر مردان

- «گسست عاطفی با همسر»
- «احساس ضعف و ناتوانی به جهت عدم کنترل و مدیریت خانواده»
- «زخم های عمیق روحی و عاطفی»
- «سرخورده گی منفی»
- «احساس بدبینی و تردید»



➤ « دوگانگی عاطفی »

➤ « تغییرات خلقی شدید »

➤ « افسوس »

➤ « احساس تاسف و شرم از نداشتن ازدواج موفق »

آنجا که بسیاری از مردان توانایی کمتری در کنار آمدن با مشکلات دارند و توانایی روانی زنان در این گونه مسائل بیشتر و علت آن نیز ترسحات هورمون استروژن است، هنگام طلاق، مردان به دلیل وابستگی به همسر از نظر مسائل تربیتی و مسائل حاکم بر زندگی ضربه بیشتری می بینند. همچنین از آنجا که مردان به خاطر مشغله کاری خارج از محیط خانواده نمی توانند همانند زنان زندگی را اداره کنند و از سوی دیگر آشنایی کمتری با مشکلات محیط خانواده اعم از تربیت فرزندان و مسائل حاکم بر خانه دارند، دچار شکست روحی و روانی می شوند و در نهایت پس از طلاق، خشم، تاسف، عشق و نفرت در هم می آمیزد. ممکن است بعضی اوقات، مرد احساس راحتی کند؛ زیرا بر این باور است که دیگر فشارها و دخالت ها تمام شده است؛ اما ترس از آینده ای نامعلوم، این احساس راحتی موقت را از بین می برد. در این دوران، مردان با یادآوری مکرر گذشته و بررسی رابطه از هم گسیخته خود، دچار اختلال تمرکز می شوند و نمی توانند به هیچ چیزی به طور طبیعی فکر کنند.

۴-۲-۳ پیامدهای روانی و عاطفی بر فرزندان

❖ « احساس گناه و سردرگمی » :

ویژگیهای مشترک فرزندان پس از طلاق، احساس گناه است از اینکه آیا آنان در جدایی میان والدین خویش نقشی داشته اند؟ آیا آنان نسبت به ادامه زندگی پدر و مادر خود دچار قصور و کوتاهی گشته اند؟ احساس دیگری که در رفتار این کودکان آشکار می گردد شگفتی و نگرانی از گزینش یکی از والدین است، به دلیل اینکه پدر و مادر هر دو نزد فرزند به یک اندازه محبوب و دوست داشتنی هستند، کودکان از پذیرش یکی از آنان و دوری از دیگری دچار ترس و اضطراب می گردند، بنابراین رویایی که همواره در ذهن آنان وجود دارد، امید به بازگشت پدر و مادر و زندگی دوباره در کنار آنان است و حتی گاه کوششی را هم برای سازش و ایجاد پیوند میان والدین به عمل می آورند که معمولاً به شکست منجر می شود. بحران عاطفی در صورت توجیه و ناامیدی از زندگی دوباره با والدین، سازگاری فرد را با زندگی پس از طلاق بیشتر می کند. اثرات درازمدت طلاق بر کودکان بسیار زیاد و گاه جبران ناپذیر است.

(گواهی ، ۱۳۷۳)

❖ « افسردگی » :

طلاق موجب افسردگی نوجوانان می شود، به نحوی که کمتر از زندگی لذت می برند، بی اشتهایی بر آنان چیره می گردد و خسته به نظر می رسند . (حسینی ، ۱۳۷۷)

❖ « وسواس »

❖ « اضطراب »

❖ « پرخاشگری و عصبان »

❖ « بی قراری »

❖ « حسادت »

❖ « سوء ظن »

❖ « سماجت »

سن کودک در زمان طلاق، در واکنش او نسبت به این رویداد مهم است. تجربه طلاق برای تمام اعضای خانواده اضطراب زا می باشد و رفتار کودکان بعد از طلاق، نشان دهنده این اضطراب است. پس از جدایی، بلافاصله میزان اختلالات عاطفی و رفتاری در کودکان بالا می رود. کودکان تا سن ۴ سالگی، استنباطی از طلاق ندارند و به طور کلی نمی فهمند که چه اتفاقی افتاده



است، اما چون طلاق در نهایت منجر به فقدان یکی از والدین می شود، بر وابستگی کودک تأثیر می گذارد و اثرش در رفتارهای کودکان نمایان می باشد. کودکان ۴ - ۶ ساله مفهوم ساده ای از طلاق را می دانند و در صورت بروز طلاق، خودشان را مسبب آن می دانند. کودک پس از ۶ سالگی، به خوبی مفهوم طلاق را می فهمد. (بیرامی ۱۳۷۸)

پاسخ فوری اکثریت کودکان در هر سنی در خصوص خبر جدایی والدین، اضطراب و پریشانی است، به طوری که برخی از آنها هیجانی شده یا رفتار واپس گرایی نشان می دهند. طلاق والدین بر ویژگیهایی چون اضطراب، گوشه نشینی، پرخاشگری، بهانه جویی، انتقام جویی، بی رحمی، غمگین بودن، زود رنجی، نزاع و درگیری، بدخواهی، بی اشتیاهی، بیزاری از زندگی، شک و دودلی و احساس بیماری در کودکان اثر فزاینده دارد. اغلب بررسیها نشان می دهد که فرزندان طلاق به مشکلات جسمی، عاطفی، تحصیلی (افت تحصیلی، فرار از مدرسه، ترک تحصیل) دچار می شوند و این مشکلات در رشد شخصیت و سازگاری آنان اثرات نامطلوبی بجا گذاشته و احتمال ابتلای آنان را به اختلالات روانی افزایش می دهد.

از نظر والرستین، طلاق زنجیره ای از حوادث بهم پیوسته است که برای همیشه زندگی قربانیان خود را دگرگون می کند. طلاق والدین نه تنها برقراری روابط عاطفی را برای کودکان دشوار می کند، بلکه روابط گذشته آنها را با والدینشان مخدوش می کند. هم چنین سایر پژوهشهای انجام شده نشان می دهد آسیب پذیری پسرها در مقابل طلاق به مراتب بیش از دختران است، معمولاً دو سال طول می کشد تا دختران با محیط جدید سازش پیدا کنند، ولی پسرها زمان بیشتری لازم دارند تا سازگاری جدید بیابند. گاهی کودکان پریشانی خود را با گریه به بزرگترها نشان می دهند، البته پسران این ناراحتی را به صورت افت تحصیلی، پرخاشگری و عصیان و دختران با انزوا و غمگین بودن نشان می دهند. والدین روی بچه های همجنس خود کنترل بیشتری اعمال می کنند، به همین دلیل مادران بیش از پدران به دختران سخت می گیرند و پدران بیش از مادران با پسران جدی هستند. از طرفی پسران و دختران به یک اندازه نیازمند محبت و توجه از طرف والدین خود هستند. اما والدین پس از جدایی، نسبت به دختران محبت بیشتری دارند. لذا عکس العمل پسران شدیدتر و سازگاری آنها کندتر از دختران است. (تایبر، ۱۳۶۹)

در زندگی پس از جدایی والدین که کودک تک والدی است و مادر سرپرست وی می باشد، به دلیل فقدان، پدر مسائل روحی و روانی بسیاری برای دختران ایجاد می شود که از جمله آنها بدبینی به جنس مرد، بی خبر ماندن از روحيات و ساختار وجودی مردان است که گاه آسیبهای آن در ازدواج چنین دخترانی آشکار می گردد. همچنین احساس بی پناهی و ضعف شخصیت در این دختران بروز می کند. در صورت فقدان مادر نیز آسیبهای عاطفی و شخصیتی و اختلال در رشد ذهنی، اجتماعی و اخلاقی فرزند پدید می آید. یک پدر هر چه تلاش کند و بتواند نقش مادر را با موفقیت بازی کند، نخواهد توانست نیاز به عواطف مادرانه را در کودکان ارضا کند، به ویژه اگر محرومیت کودک از مادر با ازدواج دوباره پدر، وجود مادر دوم یا نامادری مواجه گردد که در این حال فرزندان پدر را از دست می دهند و بر کمبودهای آنان افزوده می شود.

۳-۴ پیامدهای اقتصادی

مشکلات اقتصادی برای تمام اعضای خانواده مشکل زا خواهد بود و زمینه ساز بروز بسیاری از نابه سامانی ها و مشکلات در زندگی می باشد. (نمودار ۳-۱)

۱-۳-۴ پیامدهای اقتصادی بر زنان

✓ از بین رفتن اشتراکات مالی در مسکن، هزینه های زندگی، تفریحات و حتی تغذیه

اغلب زنان پس از طلاق برای تأمین زندگی، عدم وابستگی و حفظ عزت نفس سعی دارند، شغلی انتخاب کنند که با توجه به مهارت پایین تر و عدم سابقه شغلی آنان، از نظر اجتماعی و درآمد، شغل مناسبی نخواهد بود. زنانی که در سنین بالاتر طلاق می گیرند، به دلیل عدم توانایی در کار کردن، مشکلات بیشتر اقتصادی یا وابستگی به فرزند خواهند داشت.

۲-۳-۴ پیامدهای اقتصادی بر مردان



- زندان به خاطر مهریه
- از دست دادن شغل و پایگاه اجتماعی به خاطر زندان
- مشکلات مالی فراوان

۵- آثار و پیامد طلاق بر جامعه

آسیب شناسی یا پاتولوژی (Pathologie) از جمله اصطلاحات زیست شناسی و پزشکی می باشد که در جامعه شناسی بکار گرفته شده است. این اصطلاح حاصل تشبیه جامعه به یک کالبد زیستی و بررسی موضوعات اجتماعی همانند موضوعات زیستی می باشد. آسیب شناسی اجتماعی به مطالعه بی نظمی ها و نابسامانی های اجتماعی و اعمال و رفتاری می پردازد که در اجتماع غیر طبیعی تلقی می گردد و نیز شرایطی را مورد بررسی قرار می دهد که اصول و هنجارهای ارزشمند جامعه مورد بی توجهی و یا تخطی قرار می گیرد و اهداف متعالی زندگی فردی و اجتماعی انسان تحقق نمی یابد. اکثر جوامع کنونی با مشکلات و معضلات متعدد اجتماعی دست به گریبانند که حیات جوامع بشری را با تهدید مواجه میکند. از دیدگاه جامعه شناسان، مسائل اجتماعی شرایط یا وضعیتی است که جامعه آنها را به منزله خطری برای راه و رسم زندگی می داند و ناگزیر درصدد رفع یا تعدیل آنها برمی آید. از نظر رابرت مرتن وقتی میان معیارها و واقعیات اجتماعی فاصله و اختلاف بوجود می آید - خواه نیروهای ایجاد کننده این شرایط، انسان یا طبیعت باشد - مشکلات اجتماعی ایجاد می شود و نهایتاً اعضای جامعه نسبت به چنین وضعیتی واکنش نشان می دهند. اهمیت این واکنش بر طبق اصول جامعه شناختی، عمدتاً تحت تأثیر ساخت جامعه، نهادها و ارزشهای آن می باشد. در یک تقسیم بندی کلی مشکلات اجتماعی دارای جنبه ذهنی و عینی می باشد. جنبه ذهنی آن در ادراکات و ارزشگذاری مردم جامعه در رد یا تأیید اینکه چه چیز مشکل اجتماعی می باشد، ظاهر می شود و جنبه عینی آن شرایط واقعی است که در آن مشکلات ارزیابی می شود. (مرتن، ۱۳۷۶) از نظر میلز (Mills) مطرح کردن موضوعی مانند طلاق به عنوان مسئله اجتماعی مستلزم تبدیل آن از گرفتاریهای خصوصی به مسائل عام ساخت اجتماعی است، زیرا گرفتاریهای خصوصی ناشی از شخصیت فرد و رابطه نزدیک با آن است، اما مسائل اجتماعی اموری است که از سویی بر شرایط خاص و زندگی خصوصی افراد حاکم است و از سوی دیگر به شرایط و سازمان جامعه و چگونگی ساخت وسیع اجتماعی وابسته می باشد. در واقع وقتی مردم احساس کنند که ارزشهای اجتماعی آنها نادیده گرفته می شود و یا تهدید می گردد و بین مطلوب اجتماعی و واقعیات اجتماعی اختلاف وجود دارد، بحران اجتماعی یا مسأله اجتماعی ایجاد می شود. هم چنین برخی صاحب نظران معتقدند: طلاق زمانی به صورت آفت یا بلای اجتماعی تجلی می یابد که از حدود معینی خارج شده و فراوانی آن غیر متعارف گردد. جهت تشخیص این وضعیت، می توان آمار طلاق را با آمار ازدواج مقایسه نمود. در اینجا لازم دانسته شد که مروری بر آثار و پیامدهای طلاق بر جامعه سطح کلان تر از خانواده داشته باشیم تا روشن شود که این پدیده نه تنها باعث آشفتگی و معضلات فراوانی برای اعضای خانواده می شود بلکه در سطح بالاتر و کلان یعنی جامعه نیز خرابی به بار می آورد.

۵-۱ بحران ارزش ها :

پدیده طلاق در گذشته قباح بالایی داشت و در صورت بروز چنین اتفاقی در کانون خانواده ای، تمامی بزرگترها ریش سفیدان آن خانواده برای برقراری صلح و سازش بین زوجین تلاش می کردند، اما امروزه کمتر کسی وجود دارد که در اقوام و خویشان خود با این معضل مواجه نشده باشد و یا شاید به محض بروز طلاق، بزرگتران نیز زوجین را تا رسیدن به خط پایان این معضل همراهی و همیاری کنند. این امر بیانگر از بین رفتن بسیاری از ارزش های دیروز در جامعه است. وقتی آمار طلاق بالا برود و خانواده ها به راحتی تن به جدایی بدهند این مسئله بیانگر این است که دیگر ارزش ها در جامعه رو به کنار گذاشتن هستند و در اصل می توان گفت یکی از پیامدهای طلاق برای جامعه از بین رفتن ارزش های قدیمی می باشد.

۲-۵ بحران وجدان جمعی :

وجدان جمعی یکی از مهمترین ضمانتهای تحقق اهداف و ارزشهای جامعه است. شخص یا اشخاص می توانند هنجارهای جامعه را تحقیر کنند، اما در برابر وجدان جمعی جز اطاعت راهی ندارند. این نشانگر اهمیت و ضرورت وجود وجدان جمعی قوی در جامعه است. بنابراین جامعه ای که طلاق را پدیده ای عادی و طبیعی می داند، رواج آن را نیز موجب خواهد شد که این به معنی ضعیف شدن وجدان جمعی جامعه است.

۳-۵ کند شدن روند پیشرفت :

زمانی که طلاق در خانواده ها امری عادی و تنها راه حل مناسب تلقی شود، طبق پیامدهای گفته شد برای تک تک اعضای خانواده و از بین رفتن ارزش ها و وجدان جمعی در جامعه مسلما ما نمی توانیم انتظار پیشرفت از آن جامعه داشته باشیم. جامعه ای که افراد آن سرخورده هستند انگیزه ای برای پیشرفت شخصی ندارند و به دنبال وقتی افراد جامعه که عنصر اصلی آن هستند پیشرفت نکنند جامعه نیز پیشرفتی نخواهد کرد.

۴-۵ بحران رضایت :

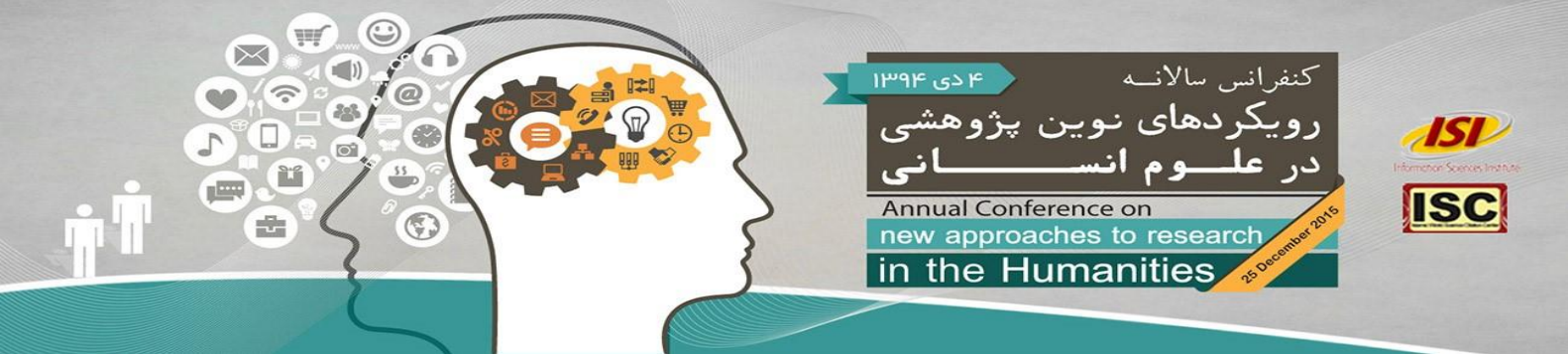
گرونبرگ بیان می کند که رضایت و عدم رضایت از یک بخش از زندگی بر روی رضایت و عدم رضایت از بخشهای دیگر زندگی تأثیر دارد. بطور مثال نارضایتی فرد از زندگی خانوادگی می تواند موجب نارضایتی او از زندگی اجتماعی شود در نهایت کم کم به عدم رضایت از جامعه و همشهریان خود میشود و در مواقعی سبب بروز بی اعتنایی به هم نوع خود میشود.

۶- راه کارهای پیشنهادی مقابله با طلاق

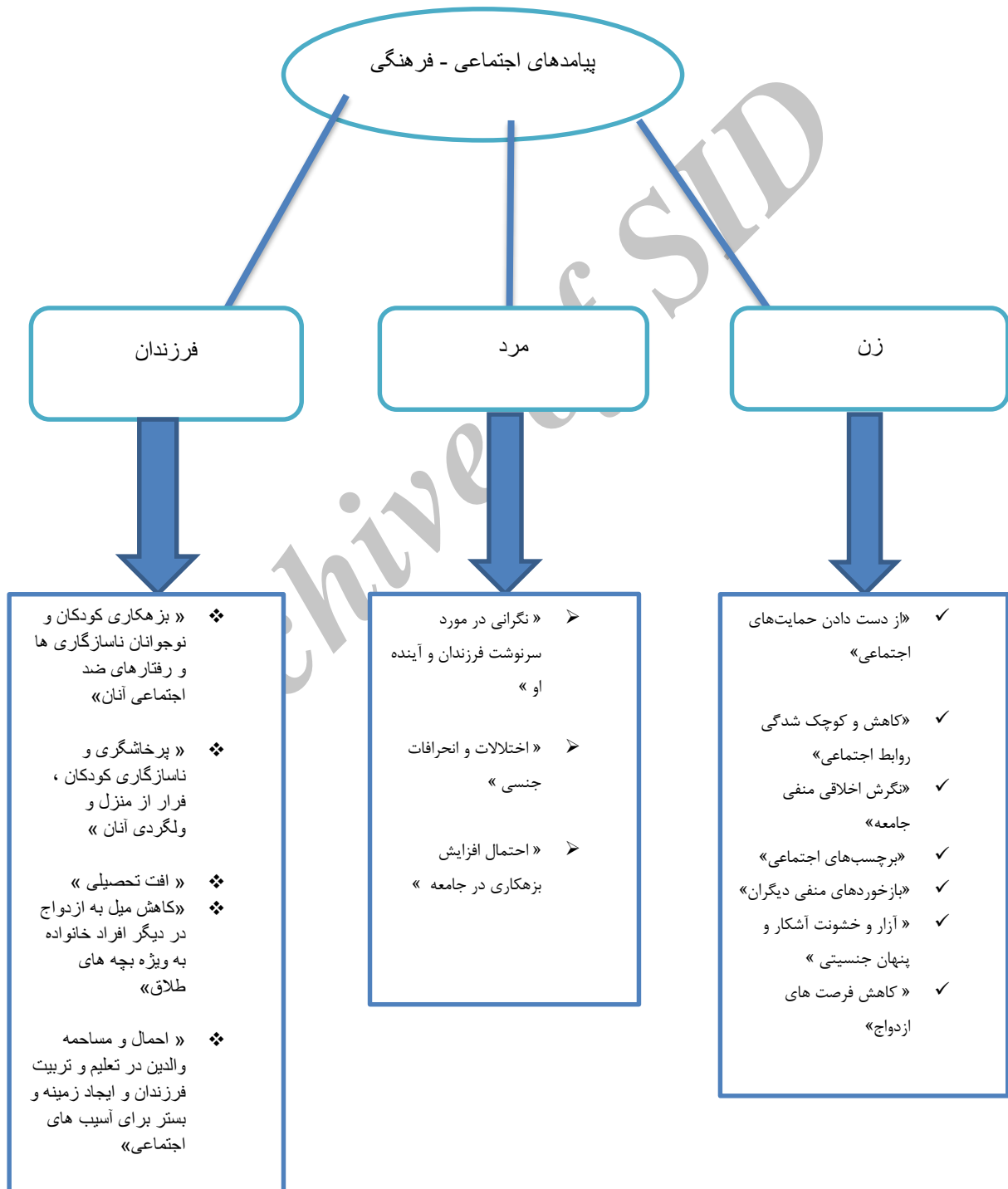
- مشاوره دادن به افراد خواهان ازدواج
- آگاهی دادن درباره جنس مخالف
- اطلاع رسانی در زمینه ازدواج و زندگی مشترک از طریق رسانه ها
- قرار دادن جوانان تحت آموزش های پیش از ازدواج
- ورود خانواده ها جهت ایجاد صلح و سازش در هنگام تصمیم بر جدایی
- توجه به مسائل دینی و معنوی در انتخاب همسر
- مشورت گرفتن از خانواده و اطرافیان در کنار نظر مشاوران برای انتخاب همسر
- ساده زیستی
- اشتغال مناسب
- یادگیری مهارت های ارتباطی با همسر
- یادگیری مهارت های حل مسئله به روش معقول
- توجه به اختلاف سنی و طبقه اجتماعی - اقتصادی برای انتخاب همسر
- ایجاد تنوع در زندگی و سعی در از بین بردن روند یکنواخت زندگی

۷- نتیجه گیری

برای رسیدن به این جامعه ایده آل لازم است، که خانواده که عنصر تشکیل دهنده جامعه است، سالم باشد. در نتیجه هرگونه اختلال در این کانون گرم یا از هم پاشیدگی آن سلامت جامعه را مختل میکند. همچنین آمارها نشان می دهد میزان وقوع جرم در میان فرزندان طلاق از سایر اقشار جامعه بیشتر می باشد. با ذکر این نکته، آموزش و آگاهی دادن در زمینه ازدواج و لزوم شناخت یکدیگر قبل از ازدواج از راه کارهای اصلی برای جلوگیری از هم پاشیدگی خانواده ها می باشد.

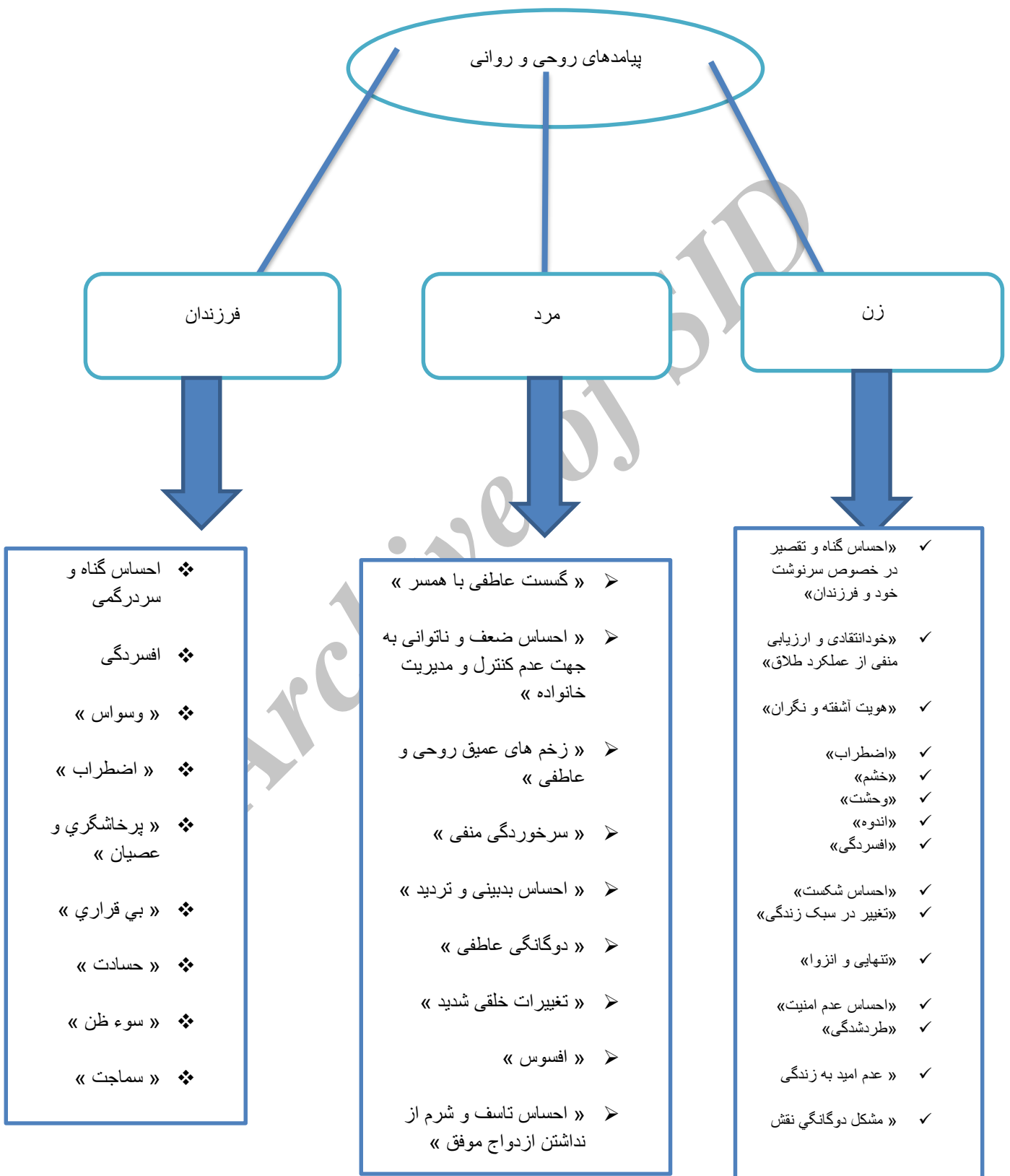


شکل ۱-۱ پیامدهای اجتماعی - فرهنگی طلاق بر خانواده



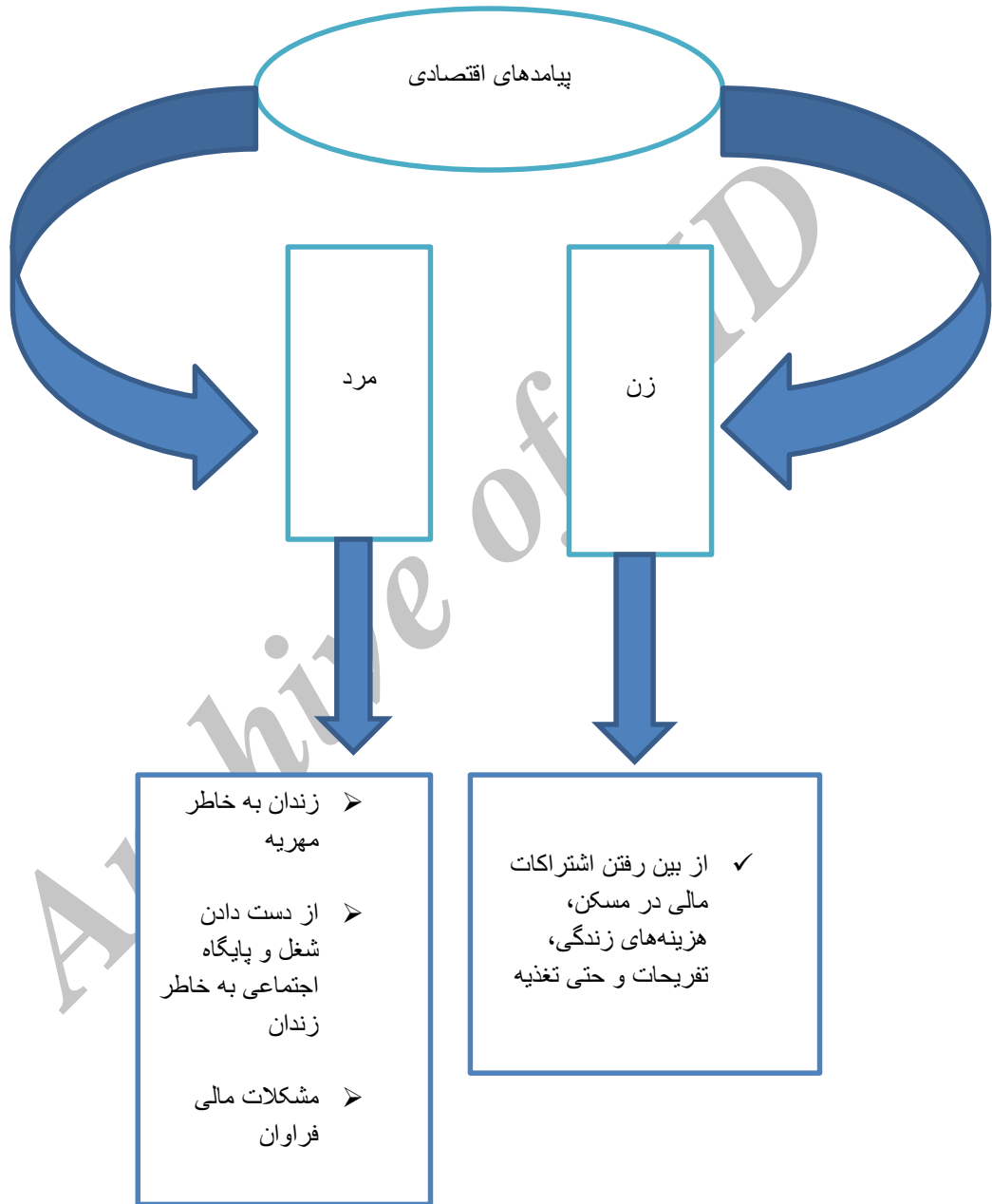


نمودار ۱-۲ پیامدهای روحی - روانی طلاق بر خانواده





نمودار ۱-۳ پیامدهای اقتصادی طلاق بر خانواده





۴ دی ۱۳۹۴

کنفرانس سالانه

رویکردهای نوین پژوهشی
در علوم انسانی

Annual Conference on
new approaches to research
in the Humanities

25 December 2015



شکل ۲ پیامدهای طلاق بر جامعه





منابع

- . اخوان تفتی، مهناز و سیف، سوسن (۱۳۸۷) شوک پس از طلاق، فصلنامه علمی_پژوهشی انجمن مشاوره ایران، پاییز و زمستان.
- . ادیب، محمد حسین، جامعه شناسی ایران (۱۳۷۴) نشر هشت بهشت (اصفهان)
- . ازکمپ، استوارت، (۱۳۶۹) روانشناسی اجتماعی کاربردی، ترجمه فرهاد ماهر، انتشارات آستان قدس رضوی
- . آزاد، تقی (۱۳۷۷) بررسی مسائل اجتماعی، تهران: نشر جهاد دانشگاهی
- . آتش پور، سید حمید، اثرات روانی - اجتماعی طلاق، مجله بهداشت جهان، سال یازدهم (۱۳۷۵)، شماره دوم، ص ۴۶
- . اورعی، غلامرضا (۱۳۶۶)، تهران: بررسی مسائل اجتماعی ایران، انتشارات خوشه
- . بروس کوئن، (۱۳۷۰) درآمدی بر جامعه شناسی، محسن ثلاثی، انتشارات فرهنگ معاصر
- . ایوت والچاک و شیلان برنز، طلاق از دید فرزند، ترجمه فرزانه طاهری، (۱۳۶۶) نشر مرکز
- . بیرامی، منصور (۱۳۷۸) خانواده و آسیب شناسی آن، تهران: انتشارات آیدین
- . بابایی، فاطمه، (۱۳۸۰) تعدیل ساختاری و فقر و ناهنجاریهای اجتماعی، تهران: انتشارات کویر
- . پیران، پرویز (۱۳۶۹) در پی تبیین جامعه شناختی طلاق، نشریه رونق، سال اول، شماره ۱.
- . تاپیر، توراندخت تمدن (۱۳۶۹)، بچه های طلاق، تهران: انتشارات روشنفکران
- . حسینی، بیرجندی، سید مهدی، مشاوره ازدواج (۱۳۷۷)، تهران: انتشارات آوای نور
- . حفاریان، لیلا و دیگران (۱۳۸۸) مقایسه کیفیت زندگی و ابعاد آن در زنان مطلقه و غیر مطلقه و رابطه‌ی آن با ویژگی‌های جمعیت شناختی در شهر شیراز، فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال ۱۱، شماره ۴.
- . ساروخانی، باقر، (۱۳۷۲) جامعه شناسی ارتباطات، تهران: انتشارات اطلاعات
- . ساروخانی، باقر، طلاق - پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، صفحه چهارده
- . صادقی، حسین (۱۳۷۶)، «بررسی مشکلات اقتصادی زنان سرپرست خانوار»، دفتر امور مشارکت زنان
- . عبدی، عباس، گودرزی، محسن، تحولات فرهنگی در ایران، تهران: انتشارات سروش
- . فرجاد، محمد حسین (۱۳۷۲) آسیب شناسی اجتماعی و ستیزه های خانوادگی و طلاق، تهران: نشر منصوری
- . کلانتری، عبدالحسین؛ روشن فکر، پیام؛ جواهری، جلوه (۱۳۹۰) آثار و پیامدهای طلاق، زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۳، ص ۱۳۱_۱۱۱.
- . کاملی، محمدجواد (۱۳۸۶) بررسی علل و عوامل مؤثر در بروز آسیب‌های اجتماعی طلاق در جامعه ایران، فصلنامه دانش انتظامی، پاییز، سال ۹، ش ۳، ۱۷۹_۱۸۰
- . کی نیا، مهدی، پژوهشی در عوامل اجتماعی طلاق، مطبوعات دینی (قم)، ۱۳۷۳
- . کلارک و فریدمن، رشد کودک از نوزادی تا نوجوانی، ۱۹۷۸
- . گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری (۱۳۹۱)، تهران: نشر نی
- . گواهی، زهرا، بررسی حقوق زنان در مسئله طلاق، چاپ سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۷ و ص ۱۵۴
- . مساواتی، مجید (۱۳۷۴) آسیب شناسی اجتماعی ایران - جامعه شناسی انحرافات
- . مرتن، رابرت، مشکلات اجتماعی و نظریه های جامعه شناختی، ترجمه نوین تولایی، انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۷۶